

سرشناسه: احمدوند، آرزو
عنوان و نام پدیدآور: حوزه مشق / مولف آرزو احمدوند و جمعی از شاعران
مشخصات نشر: قم: افروغ، 1399.

مشخصات ظاهری: 105 ص.

شابک: 978-622-96769-1-2

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

عنوان دیگر: حوزه مشق (مجموعه اشعار)

موضوع: شعر فارسی - قرن 14 -- مجموعه‌ها

موضوع: Persian poetry -- 20th century -- Collections

شناسه افزوده: احمدوند، آرزو، 1399

رده بندی کنگره: PIR4190

رده بندی دیویی: 81/6208 فا

شماره کتابشناسی ملی: 6128273

عنوان: حوزه مشق

پدیدآورندگان: آرزو احمدوند، علی اکبر فصاحت، زهرا بیگم محمدی پور،
میثم قره‌باغی دوری، حسین برزگر پیشور، کمال کوکهای، سعید ابراهیمی

ناشر: افروغ

نوبت چاپ: اول 99

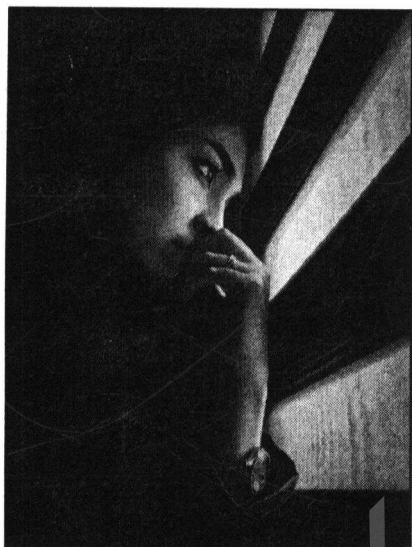
تیراژ: 50 جلد

شابک: 978-622-96769-1-2

قیمت: 25000 تومان

فهرست مطالب

4	آرزو احمدوند (سالار مگس‌ها)
15	علی اکبر فصاحت
31	زهرا بیگم محمدی پور
41	میثم قره‌باغی دوری
55	حسین برزگر پیشور
65	کمال کوکه‌ای (معروف)
85	سعید ابراهیمی رحمانلو



آرزو احمدوند

با نام هنری سالارمگس ها
متولد ۸ آبان ماه ۱۳۷۲
استان همدان شهرستان
نهادوند. دارای مدرک
کارشناسی حسابداری و امور
مالی. نوشتن را از هشت
ساگی آغاز کردم با استاد
روح الله صالحی. تخصص

بنده بیشتر در سرودن شعر سپید است و در کنار آن داستان کوتاه
و دنوخته های ادبی فعالیت دارم. از تالیفات بنده میتوان چاپ
مستقل مجموعه ی شعر سپید:

این چشم ها مال من نیست " آبان ۹۸ (حوزه مشق) سرپرستی ۱۲
مجموعه چاپ مشترک آثار بصورت (۶مجموعه شعر ، ۴مجموعه
دنوخته ، ترانه و داستان کوتاه هرکدام ۱ اثر) اشاره کرد(کشف
استعدادپرتر)

'من همان شعر سپیدم تو به آشفته گی ام چنگ مزن'

نگاه به تنهایی ام مکن ، من از سایه تنهاترم...

تکیه به من زده ای، دیوانه من ازهر خرابه ویرانه ترم ...

تو رُخ بر آئینه مینگری و مرا چگونه جُسته ای نمیدانم...

فیلترهای سوخته در کف ایوان رادیده ای؟؟ من ازهمان ها سوخته ترم...

شعر شده ام تا نجویند رد پای تورا بر این حال شوریده ام ،

غافل از قافیه ی شعر ، گفته بودم با چشم تو زندگی ها کرده ام ...

دیگر نمیبینم بغض آسمان و شوری که در سر داشته ام... راستی مرده ی

این بازی منم یا که رقیبان چشم تورا با دیگرشعرها دیده اند؟ !

من و تو باران نژاد یک شعر در آمیخته ایم

به تو پیچیده است جان من ، مگو میروی و دیگر زنده نمیخواهی ام ...

تا چمدان به دست دیده اند تورا ، خرده بگرفته اند بر دل دیوانه ام...

تنهایی مرا ندیده ای برو تنها ترشدن هم قبل از تو دیده ام...

میسوزد چشم من از آهی که جاری نمیشود برگونه ام ،

مرا ببخش اگر تورا میخواستی ام اما اینگونه دست وپای فروبسته ام ...

سفرت به خیر برو یار سفر کرده ام...

نگاه به تنهای ام مکن من ازهر سایه که دیده ای تنهاترم...